


جنوب جهانی و بریکس: چرایی نپیوستن اندونزی به بریکس

بهاره سازمند  ID

گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: بریکس تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱	<p>ایده پیوستن اندونزی به بریکس بیش از یک دهه پیش مطرح شد. از سال ۲۰۱۱م، تحلیلگران، اندونزی را یکی از داوطلبان الحاق به بریکس مطرح کرده‌اند. از همان سال، اندونزی در برخی جلسات بریکس نیز شرکت کرده است. طی دو سال گذشته، موضوع پیوستن رسمی اندونزی به بریکس با حمایت کنشگرانی مانند چین احیا و مطرح شده است. با افزایش مجدد احتمال پیوستن اندونزی به بریکس در ژوئیه ۲۰۲۳م، اندونزی دعوت به شرکت در اجلاس ۲۰۲۳م بریکس را پذیرفت. جوکو ویدودو، رئیس‌جمهور اندونزی، وزیر امور خارجه و سایر مقام‌های اندونزی برای شرکت در این مراسم به ژوهانسبورگ رفتند. اما اندونزی تمایل جدی برای عضویت در بریکس از خود نشان نداد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اندونزی، به‌رغم ظرفیت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی، در شرایط فعلی تمایلی به پیوستن به بریکس ندارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به سؤال مطرح می‌شود این است که اندونزی در نظر دارد بر اساس برنامه ۲۰۴۵م به پنجمین اقتصاد برتر دنیا تبدیل شود و برای تحقق این هدف باید در چارچوب چندجانبه‌گرایی و پذیرش اصول و هنجارهای نظام بین‌الملل فعلی عمل کند و از ورود به سازوکارهای قطبی‌گرا اجتناب ورزد. برای بررسی این موضوع، با روش پژوهش کیفی با راهبرد استقرایی و رویکرد تبیینی، نخست روند روابط اندونزی و بریکس و ظرفیت‌های بریکس برای اندونزی بررسی شد. در ادامه، دلایل نپیوستن اندونزی به بریکس واکاوی شده است.</p>

ارجاع به این مقاله: سازمند ب. (۱۴۰۳). «جنوب جهانی و بریکس: چرایی نپیوستن اندونزی به بریکس». *مطالعات کشورها*. ۲(۲): ۳۳۱-۳۵۱. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.371523.1103>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران

<https://orcid.org/0000-0003-4838-8430>  bsazmand@ut.ac.ir 

۱. مقدمه

جمهوری اندونزی، بزرگ‌ترین دولت مجمع‌الجزایری جهان، با بیش از ۱۳۰۰۰ جزیره است. اندونزی با حدود ۲۸۰ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان‌نشین در جهان و دارای متنوع‌ترین جوامع قومی در جنوب شرق آسیاست. این کشور همچنین، بزرگ‌ترین اقتصاد در منطقه و یکی از چند دموکراسی به‌نسبت پایدار و کارآمد در این بخش از جهان است (کروسان و لورنس، ۱۴۰۲). همچنین، جاوا، پرجمعیت‌ترین جزیره جهان، بیش از نیمی از جمعیت این کشور را در خود جای داده است.

اندونزی متشکل از هزاران قوم بومی متمایز و صدها گروه زبانی است که جاوه‌ای‌ها بزرگ‌ترین آن‌ها هستند. هویت مشترکی با شعار *Bhinneka Tunggal Ika* (وحدت در عین کثرت) به‌معنای واقعی کلمه در این کشور شکل گرفته است. همچنین، اقتصاد اندونزی از نظر تولید ناخالص داخلی اسمی^۱ شانزدهمین اقتصاد جهان و از نظر برابری قدرت خرید^۲ هفتمین اقتصاد بزرگ جهان (World Economic Outlook Database, October 2023) است. این کشور سومین دموکراسی بزرگ جهان و قدرتی منطقه‌ای است و در امور جهانی قدرتی متوسط در نظر گرفته می‌شود. همچنین، عضو چندین سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای است؛ از جمله سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی، G۲۰^۳، و یکی از اعضای مؤسس جنبش غیرمتعهدها، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)، نشست

۱. تولید ناخالص داخلی اسمی نوعی ارزیابی میزان تولید اقتصادی در اقتصاد است که قیمت‌های جاری کالاها و خدمات در محاسبه لحاظ می‌شود. به‌عبارت دیگر، این معیار تورم یا سرعت افزایش قیمت‌ها را از بین می‌برد. تورم یا سرعت افزایش قیمت‌ها ممکن است رقم رشد را بزرگ‌تر از آنچه هست جلوه دهد. همه کالاها و خدمات محاسبه‌شده در تولید ناخالص داخلی اسمی با قیمت‌های واقعی فروش در آن سال ارزش‌گذاری می‌شود.
۲. PPP یا برابری قدرت خرید نرخ تبدیل پول است که برای بیان قدرت خرید ارزهای مختلف در واحدهای رایج استفاده می‌شود. این نرخ بیانگر نسبت بین مقدار واحدهای پولی مورد نیاز در کشورهای مختلف برای خرید «سبد» کالا و خدمات است.
۳. G20 یا گروه ۲۰ انجمنی بین‌دولتی است متشکل از ۱۹ کشور آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، بریتانیا، ایالات متحده، و دو سازمان اتحادیه اروپا (EU) و اتحادیه آفریقا (AU). تمرکز آن رسیدگی به مسائل مهم در اقتصاد جهانی است، مانند ثبات مالی بین‌المللی، کاهش تغییرات آب‌وهوایی، و توسعه پایدار.

سران آسیای شرقی،^۱ DA و سازمان همکاری اسلامی.

در حوزه روابط خارجی هم باید گفت که اندونزی ۱۳۲ نمایندگی دیپلماتیکی در خارج از کشور و ۹۵ سفارتخانه دارد. این کشور به آنچه سیاست خارجی «آزاد و فعال» می‌نامد پای‌بند هست، به دنبال نقش‌آفرینی در امور منطقه‌ای متناسب با وسعت و موقعیت خود هست و از دخالت در درگیری بین سایر کشورها اجتناب می‌کند.

ایده پیوستن اندونزی به گروه بریکس بیش از یک دهه پیش و در سال ۲۰۱۱م مطرح شد. از آن زمان تاکنون اندونزی در برخی جلسات بریکس شرکت کرده است. طی دو سال گذشته، موضوع پیوستن رسمی اندونزی به بریکس با حمایت بازیگرانی مانند چین احیا شده است. از سال ۲۰۲۳م، چندین دیپلمات اندونزیایی نیز احتمال پیوستن به بریکس را مطرح کردند و مهم برشمردند، زیرا اندونزی یکی از ۴۰ کشوری بود که علاقه خود را به پیوستن به بریکس ابراز کرده بود. اما، در نهایت، جوکو ویدودو، رئیس‌جمهور اندونزی، گفت که در حال بررسی عضویت است و عجله‌ای برای الحاق ندارد.

با افزایش مجدد گمانه‌زنی‌ها برای پیوستن اندونزی به بریکس، اندونزی دعوت به شرکت در اجلاس ۲۰۲۳م بریکس را پذیرفت. جوکو ویدودو، وزیر امور خارجه و سایر مقام‌های اندونزی برای شرکت در این مراسم به آفریقای جنوبی رفتند. اما، در نهایت، اندونزی به عضویت بریکس درنیامد (Ramezani Bonesh, 2023).

بنابراین، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اندونزی، به‌رغم ظرفیت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی، در شرایط فعلی، برای پیوستن به بریکس تمایلی ندارد؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که اندونزی در نظر دارد بر اساس برنامه ۲۰۴۵م، به چهارمین اقتصاد برتر دنیا تبدیل شود و برای تحقق این هدف باید در چارچوب چندجانبه‌گرایی و پذیرش اصول و هنجارهای نظام بین‌الملل فعلی عمل کند و از ورود به سازوکارهای قطبی‌ساز پرهیز کند. برای بررسی این موضوع که با روش پژوهش کیفی انجام شد، نخست، مفهوم جنوب جهانی و مصادیق آن مطرح می‌شود. سپس، به روند روابط اندونزی

۱. هشت کشور اسلامی در حال توسعه با نام اختصاری DA گروهی اقتصادی هستند متشکل از هشت کشور در حال توسعه اسلامی: ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه.

و بریکس و ظرفیت‌هایی پرداخته شده است که در بریکس برای اندونزی وجود دارد. در ادامه، دلایل نپیوستن اندونزی به بریکس بررسی شده است.

۲. پیشینه

درباره بریکس منابع و آثار بسیاری منتشر شده است. دو کتاب به زبان فارسی و تعداد قابل توجهی مقاله در دسترس است. اما، از نظر موضوعی منابع و آثار را می‌توان به چهار گروه مهم دسته‌بندی کرد.

در دسته نخست آثاری هستند که در آن به شکل‌گیری بریکس، اهداف و تاریخچه و نسبت آن با نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم بین‌المللی پرداخته شده است. برخی از این آثار به زبان فارسی در دسترس هستند. به‌طور مثال، لی زینگ (۱۴۰۱) بررسی کرده است که همکاری اعضای بریکس در حوزه رهبرد سیاست خارجی تا چه حد اهمیت دارد. همچنین، این دولت‌ها در قالب رهبران منطقه‌ای و جهانی تا چه اندازه مداخلت دارند. عنایت‌الله یزدانی و سعیده مرادی‌فر (۱۳۹۶) استدلال می‌کنند که عملکرد بریکس در عرصه بین‌المللی موازنه نرمی است که بریکس و غرب تحت رهبری آمریکا را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. علی‌اکبر جعفری و مهرداد فلاح (۱۳۹۷)، با استفاده از روش تبیینی، قدرت اقتصادی بریکس را در ساختار نوین نظام بین‌الملل موجود مثبت ارزیابی می‌کنند و بر این نظر هستند که بریکس در چگونگی شکل‌دهی به نظم بین‌المللی در جایگاه بدیل قدرت اقتصادی لیبرال غرب، نقش‌آفرینی می‌کند.

همچنین، آثاری به زبان انگلیسی در این زمینه منتشر شده است. به‌طور مثال، مارتینز در مقاله خود نشان می‌دهد که اگرچه بریکس بلوک است و آرزوی نظم نوین جهانی را دارد، با محدودیت‌های زیست‌فرهنگی و نهادی برای فراتر رفتن از مشکلات داخلی اجتماعی و سیاسی ناشی از ناهمگونی و تضاد مواجه است (Martins, 2017). لیل رنالدی و سورنو پسکوئیلو به این نتیجه رسیده‌اند که گروه بریکس جبهه واحدی را در زمینه مسئولیت محافظت از نظم جهانی فراهم نمی‌کند و دو ابتکار اصلی به رهبری برزیل و چین مشاهده می‌شود (Leal Rinaldi & Soreanu Pecequilo, 2021). هورل استدلال می‌کند که باید روند تحولات نظام جهانی را فراتر از بریکس و بسیار فراگیرتر تحلیل کرد. نمود این تحولات نظم جهانی پساغربی و تقویت مفهومی کثرت‌گرایانه از نظم جهانی است (Hurrell, 2018). پراباکار ضمن بررسی موضوع رکود جهانی، پیامدهای آن را در

کشورهای توسعه‌یافته و بریکس واکاوی کرده است (Prabhakar, 2016). در دسته دوم، رابطه بین جنوب جهانی و بریکس بررسی شده است. در این راستا، منبعی به زبان فارسی در دسترس نبود، اما دو مورد از مهم‌ترین این آثار به زبان انگلیسی معرفی می‌شود. حیدر خان بر این نظر هست که در نهایت ایالات متحده مجبور خواهد شد به نقش اساسی اما کاهش‌یافته خود در اقتصاد جهانی بسنده کند و ایجاد چارچوب مالی فرامنطقه‌ای به رهبری بریکس را ظرف دو دهه دلارزدایی به واقعیت بدل سازد (Khan, 2023). همچنین، نکوفیسا دیکو و نورمن سمپيجا بر این نظر هستند که اقدام‌های برزیل و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد عضویت آن‌ها در بریکس سبب تقویت همکاری جنوب-جنوب نشده است (Diko & Sempijja, 2021).

در دسته سوم آثاری هستند که در آن‌ها نگاه یکی از اعضا بریکس به این نهاد و نوع رابطه آن کشور و اهداف و فعالیت‌های آن با این نهاد و دیگر اعضا بررسی شده است. برخی از این آثار به زبان فارسی است. به‌طور مثال، محمدرضا جهانگیری (۱۳۹۹)، ضمن اشاره به قدرت‌های نوظهور و ویژگی آن‌ها، به بررسی ظرفیت‌ها و موانع بریکس برای تغییر در نظام بین‌الملل با تأکید بر روسیه پرداخته است. محمدرضا دهشیری و زهرا بهرامی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که چین در چارچوب نهادگرایی نولیبرال درصدد است در دوران گذار از رهگذر تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در قالب نهادهای گوناگون، از جمله بریکس، زمینه‌ساز ایجاد نظام چندجانبه متعادل شود. سعید میرترابی و مهرداد فلاح (۱۴۰۱) بر نگاه ابزاری چین به گروه بریکس و ابتکارهای مقام‌های پکن در چارچوب سازوکار بریکس تأکید می‌کنند. محمدرضا جهانگیری و خسرو وفایی سعدی (۱۳۹۷) بر این نظر هستند که اگرچه روسیه علاقه‌مند به استفاده از ظرفیت بریکس برای تغییر نظم بین‌المللی است، در این زمینه با محدودیت‌هایی روبه‌روست.

همچنین، منابع زیادی به زبان انگلیسی در این زمینه وجود دارد. به‌طور مثال، خوزه ویسنته د سا پیمنتل مهم‌ترین مؤلفه‌های مرتبط با روابط برزیل و بریکس را مطرح کرده است (Pimentel, 2013). پیرا دوال به بررسی رابطه و ائتلاف برزیل و بریکس پرداخته است (Pereyra Doval, 2016). اومولولو فاگادبو و فولوفلو گادفری نتسورا این استدلال را مطرح می‌کنند که اگرچه عضویت آفریقای جنوبی در بریکس ادامه اهداف سیاست خارجی این کشور است، هم‌زمان

موقعیت آفریقا را در جایگاه کنشگر ضعیف قاره‌ای در سیاست جهانی تقویت می‌کند (Fagbadebo & Netswera, 2022). تئو نیتلینگ، و لوکی ای. اسولیم، هر یک در مقاله خود، رابطه بین آفریقای جنوبی و بریکس و عضویت آفریقای جنوبی را در بریکس بررسی کردند (Neethling, 2017; Asuelime, 2018). باس هوجماجرز، ضمن اشاره به ظرفیت‌های بریکس، به محدودیت‌های پیش‌روی اعضا، از جمله چین، برای تغییر حکمرانی اقتصاد جهان پرداخته است (Hooijmaaijers, 2021). آرتورو اورویزا گارسیا، و لینلین ونگ و همکاران، در دو مقاله خود بر رابطه چین و بریکس از منظرهای مختلف، به خصوص نقش هدایتگری این کشور، تأکید کرده‌اند (Oropeza García, 2014; Wang et al. 2021). شجاع‌الدین خان و طیب خان، کومار و مانو چوداری، همچنین سونیتا تاکار روابط هند و بریکس را بررسی کرده‌اند (Khan & Khan, 2020; Kumar & Chaudhary, 2017; Thakkar, 2014). الکساندر آناتولیویچ سرگونین، راشل اس. سالزمن، و پتر موزیاس در سه مقاله خود به واکاوی رابطه بین روسیه و بریکس پرداخته‌اند (Anatolievich Sergunin, 2020; Salzman, 2015; Mozias, 2023).

در دسته چهارم منابعی درباره رابطه اندونزی و بریکس قرار می‌گیرد. در این میان، آندری شلیوف بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌های اقتصادی مثل پایه مالیاتی و تغییر سود میان اندونزی از یک سو، و اعضای بریکس از سوی دیگر را مطرح کرد (Shelepov, 2017). فرزاد رضانی بونش نیز در یادداشتی تحلیلی، به فرصت‌ها و ظرفیت‌های عضویت اندونزی در بریکس اشاره کرده است (Ramezani Bonesh, 2023).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود کتاب یا مقاله‌ای به زبان فارسی یا انگلیسی وجود ندارد که در آن مشخصاً به رابطه بین بریکس و اندونزی و دلایل نپیوستن اندونزی به این نهاد پرداخته شده باشد. مطالب موجود بیشتر یادداشت‌ها و تحلیل‌های روزنامه‌ای و وبگاه‌های خبری و تحلیلی است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش به سه دلیل از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. نخست، پژوهش‌های کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا درک عمیقی از جزئیات موضوع مورد مطالعه به دست آورد. دوم، با توجه به محدودیت‌هایی که در گردآوری داده‌ها وجود دارد، پژوهش کیفی به پژوهشگران کمک می‌کند تا داده‌ها را از منابع اسنادی و مصاحبه‌ای بدون ساختار و منتشرشده به‌طور عمومی به دست آورند.

سوم، پژوهش کیفی با راهبرد قیاسی^۱ و رویکرد تبیینی روشی مناسب برای دستیابی به اهداف این پژوهش است (Aleksia & Bakhtiar, 2023: 130). هدف در پژوهش کیفی با راهبرد قیاسی و رویکرد تبیینی، یافتن چرایی موضوع مطالعه است. در پژوهش تبیینی، یافتن چرایی رویدادها با ایجاد روابط علت و معلولی دنبال می‌شود. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، راهبرد استقرایی با رویکرد تبیینی استفاده شده است و به چرایی نپیوستن آندونزی به بریکس اختصاص دارد.

در همین راستا، برای بررسی رابطه علی گفته شده، متغیرهای مستقل و وابسته زیر در نظر گرفته می‌شود. در ادامه روند پژوهش، شاخص‌های آن بررسی شده است.

متغیر مستقل: نپیوستن به سازوکارهای قطبی‌ساز، از جمله بریکس

متغیر وابسته: تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد دنیا تا ۲۰۴۵

۴. چارچوب مفهومی: نسبت جنوب جهانی^۲ و بریکس

در دو دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور در حال افزایش هستند و روندی در جهت تکه‌تکه و جزء‌جزء شدن حاکمیت اقتصادی جهانی شکل گرفته است. این چارچوب روزبه‌روز پیچیده‌تر شده و گروه‌های همکاری بین‌دولتی فزاینده‌ای در حال شکل‌گیری است که هر کدام دربرگیرنده مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهاست و گاه ممکن است با هم در تضاد باشند؛ مانند همکاری در مقابل رقابت، و همگرایی در مقابل تجزیه. بنابراین، با ظهور منظومه جدیدی از قدرت‌های نوظهور و ابتکارهای گسترده برای ارتقای همکاری فرامنطقه‌ای از اوایل دهه ۲۰۱۰م، ماهیت پیچیده‌ای از حکمرانی جهانی شکل گرفته است (Aleksia & Bakhtiar, 2023: 131). بنابراین، طبق رویکرد جنوب جهانی، نوعی کثرت‌گرایی از مفهوم نظم جهانی مورد نظر است که در سیاست‌ها، سنت‌ها و رویه‌های بسیاری از کشورهای جنوب جهانی وجود دارد. قدرت‌های نوظهور

۱. راهبرد قیاسی بیشتر برای پاسخ به پرسش‌هایی درباره چرایی مسئله استفاده و تبیین علی مسئله دنبال می‌شود، زیرا واژه «تبیین» برای ارتباط پدیده‌ای با دیگر پدیده‌ها به‌منظور استفاده از قانون‌های کلی استفاده می‌شود (نظری، ۱۳۹۶: ۱۹).

۲. طبق تعریف همایش تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)، جنوب جهانی به‌طور گسترده شامل این مناطق می‌شود: آفریقا، آمریکای لاتین و دریای کارائیب، آسیا (به‌استثنای اسرائیل، ژاپن و کره جنوبی) و اقیانوسیه (به‌استثنای استرالیا و نیوزیلند). البته، طبق تعریفی دیگر، جنوب جهانی منظور کشورهای در حال توسعه است.

مدت‌هاست که بر نیاز به کثرت‌گرایی و به رسمیت‌شناختن تفاوت‌ها و تنوع تأکید کرده‌اند و گاه، از روندهای یک‌دست‌ساز جهانی شدن ناراضی بوده‌اند. شکایت و ناخرسندی قدرت‌های نوظهور و کشورهای در حال توسعه از جهانی شدن این است که در فضای جهانی شدن مزایا به‌طور نابرابر توزیع و به‌طور کاملاً انتخاب‌شده و همچنان نابرابر اعمال می‌شود؛ و اینکه در جهانی شدن به سبک غربی، کشورها و جوامع جهان در حال توسعه و نوظهور نادیده گرفته شده است و روایت‌های غربی را از چگونگی توسعه جهانی شدن نشان می‌دهد. بنابراین، باید تکثرگرایی جدید به فضای سیاسی بین‌المللی بازگردد و طبق این تکثرگرایی سازوکارها و نهادهای پیچیده‌تری برای حکمرانی جهانی شکل بگیرد. بر این اساس، الگوهای اجتماعی متنوعی شکل می‌گیرد که لزوماً با الگوی نشأت‌گرفته از غرب یکی نیست. در این نگاه تکثرگرا، روایت‌های لیبرال پیشرفت و نوسازی هم از درون جریان نوظهور غربی و هم از سوی دنیای نوظهور غیرغربی نقد شده است (Hurrell, 2018: 100).

این تغییر مهم در ساختار بین‌المللی «ظهور جنوب»^۱ نامگذاری شده است و به پدیده‌ای سیاسی اشاره دارد که بر توازن قدرت جهانی تأثیر گذاشته است. این تغییر را بیشتر چین و هند، با حمایت برزیل، آفریقای جنوبی، مکزیک و اندونزی هدایت می‌کنند. این کشورها پس از مدرنیزه کردن اقتصاد خود، درصد رشد بی‌سابقه‌ای داشته‌اند و توانسته‌اند آموزش را بهبود بخشند، فقر را کاهش دهند، ارتش خود را تقویت کنند، و ظرفیت و طبقه متوسط خود را گسترش بدهند (Kiely, 2015).

در عرصه خارجی، این کشورها به شیوه‌های مختلف عمل کرده‌اند. بسته به مسائل مختلف، شنیده شدن صدای خود را به‌شکلی قوی‌تر در مجامع بین‌المللی خواستار شده‌اند و برای اصلاحات خاص در برخی نهادهای حاکمیت جهانی، به‌ویژه نهادهای کنترل‌کننده قدرت‌های غربی، فشار می‌آورند، از جمله به نهادهایی که بر پایه توافق برتون وودز^۲ ایجاد شده‌اند (Hurrell, 2018). در مجموع، این

1. rise of the South

۲. توافقنامه برتون وودز نظامی از روابط پولی است که دلار آمریکا معیاری واحد برای تسویه حساب‌های بین‌المللی و ذخیره‌داری‌ها محسوب می‌شود. از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۷۶ م وجود داشت و به‌طور چشمگیری بر اقتصاد جهان تأثیر گذاشت. به‌موجب این توافقنامه، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بر پایه نهادهای برتون وودز ایجاد شده‌اند. در سال ۱۹۹۵ م گات جای خود را به سازمان جهانی تجارت داد.

قدرت‌های نوظهور ترجیح می‌دهند همکاری بین خود را بدون واسطه‌گری قدرت‌ها و کنشگران سنتی گسترش دهند. این امر به ایجاد گروه‌های منطقه‌ای مختلف مانند ایپسا^۱، مینت^۲، G۲۰ و بریکس منجر شده است. آن‌ها که قبلاً به «اطاعت» و پیروی از هنجارها و نهادهای موجود عادت داشتند، اکنون از توانایی خود برای انجام کارها به‌روشی متفاوت آگاه هستند.

برخی تحلیلگران ادعا می‌کنند که در حال حاضر، به مرحله جدیدی به‌نام «نظم جهانی پس‌آمریکایی» در عرصه جهانی وارد شده‌ایم (Zakaria, 2008)، درحالی که برخی دیگر ترجیح می‌دهند آن را «پساغربی» بنامند یا جنگ سرد جدید بین چین و ایالات متحده را مطرح می‌کنند (Leal Rinaldi & Soreanu, 2021: 8).

یکی از مصادیق مهم جنوب جهانی شکل‌گیری نوعی چندجانبه‌گرایی در قالب بریکس است. مفهوم بریک^۳ نخستین بار بیش از دو دهه پیش، در سال ۲۰۰۱م، مطرح شد و نشان‌دهنده گروه‌بندی سست برزیل، روسیه، هند و چین بود. این ایده را گلدمن ساکس در بخشی از تمرین مدل‌سازی اقتصادی برای پیش‌بینی جهانی شدن روندهای اقتصادی در نیم قرن آینده مطرح کرد (Sachs, 2001). پیش‌بینی گلدمن ساکس این بود که در آینده کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین (بریک) نقش مهمی در اقتصاد جهانی بازی خواهند کرد. دو سال بعد (۲۰۰۳) مجدداً مقاله دیگری از گلدمن ساکس منتشر شد که در آن پویایی در حال تحول جهان را پیش‌بینی کرد. طبق پیش‌بینی گلدمن ساکس، اقتصاد جهانی در ۵۰ سال آینده تغییرات شگرفی خواهد کرد و اقتصادهای بریک به یکی از نیروهای اصلی در اقتصاد جهانی تبدیل خواهند شد. در کمتر از ۴۰ سال،

۱. IBSA (India, Brazil and South Africa) مجمع منحصربه‌فردی است که در آن هند، برزیل و آفریقای جنوبی، سه دموکراسی و اقتصاد بزرگ از سه قاره مختلف و دارای چالش‌های مشابه گرد هم می‌آمده‌اند.

۲. MINT (Mexico, Indonesia, Nigeria, and Turkey) به اقتصادهای مکزیک، اندونزی، نیجریه و ترکیه اشاره دارد. این نام اختصاری در سال ۲۰۱۱م ابداع شد و در سال ۲۰۱۳م جیم اونیل اقتصاددان آن را رایج کرد. کشورهای مینت بر اساس ویژگی‌های زیر گرد هم آمدند: جمعیت بزرگ (عمدتاً زیر ۳۰ سال)، رشد سریع اقتصادی، توسعه طبقه متوسط، و کارآفرینی.

3. BRIC

اقتصادهای بریک با هم بزرگ‌تر از گروه هفت^۱ می‌شود. همچنین، پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۵۰م، از میان کشورهای صنعتی فعلی، تنها ایالات متحده و ژاپن از نظر موقعیت و جایگاه دلار آمریکا در میان شش اقتصاد بزرگ باقی خواهند ماند (Sachs, 2003).

با پیوستن آفریقای جنوبی به بریک در سال ۲۰۱۰م، «بریک» به «بریکس» تغییر نام یافت. بریکس نمودی از چندجانبه‌گرایی جنوب جهانی است و عنوان آن از به‌هم‌پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی ساخته شده است. در ۲۴ اوت ۲۰۲۳م، اعلام شد که از ۱ ژانویه ۲۰۲۴م، شش کشور آرژانتین، اتیوپی، امارات متحده عربی، ایران، عربستان سعودی و مصر می‌توانند به جمع این گروه اضافه شوند. با این حال، دولت جدید آرژانتین با ارسال نامه‌ای به رهبران کشورهای عضو بریکس از عضویت در این نهاد انصراف داد. پنج کشور بریکس حدود ۴۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. چین و هند ۸۷ درصد از جمعیت بریکس را تشکیل می‌دهند. همچنین، از نظر مساحت، بریکس حدود ۲۷ درصد از کل جهان را دربرمی‌گیرد. کشورهای عضو به دلیل جمعیت زیاد و رو به رشد، منابع طبیعی فراوان و الگوهای مصرف فزاینده، ظرفیت اقتصادی قابل توجهی دارند (Adams, 2023: 3). کشورهای بریکس با تشکیل این گروه، قدرت چانه‌زنی بیشتری در تجارت جهانی پیدا می‌کنند و از گسترش مناسبات و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی سود می‌برند. همچنین، قدرت بیشتری در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دارند. به‌طور چشمگیری، بریکس در دو دهه گذشته در جایگاه محرک توسعه جهانی، تجارت و سرمایه‌گذاری، اهمیت اقتصادی خود را افزایش داده است.

همچنین، پنج کشور بریکس، در مجموع تولید ناخالص داخلی حدود ۲۰ تریلیون دلار و جمعیتی بالغ بر ۳ میلیارد نفر دارند. ارزش کل همکاری‌های

۱. گروه هفت (G7) سازمانی بین‌دولتی است متشکل از کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به‌اضافه اتحادیه اروپا (عضو غیرشماری). از سال ۲۰۲۰م، اعضای G7، اقتصادهای پیشرفته بزرگ صندوق بین‌المللی پول هستند و بیش از نیمی از دارایی خالص جهان (بیش از ۲۰۰ تریلیون دلار)، ۳۰ تا ۴۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۱۰ درصد از جمعیت جهان (۷۷۰ میلیون نفر) را تشکیل می‌دهند. اعضای آن، روابط نزدیک و دوجانبه سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیکی و نظامی در امور جهانی دارند.

اقتصادی بین کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۸م به ۱۷/۸ میلیارد دلار رسید. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری برای همه کشورهای بریکس است. بر اساس داده‌های سازمان تجارت جهانی، ارزش کل صادرات کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۹م، ۴/۱ تریلیون دلار بوده است، در حالی که مجموع واردات ۳/۴ تریلیون دلار بوده و چین بزرگ‌ترین صادرکننده و واردکننده است (ibid). این نشان می‌دهد که عضویت در بریکس سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دسترسی به بازار بزرگ جهانی و تجارت آزاد با اعضای برجسته بریکس مانند چین را به همراه دارد. بنابراین، پنج کشور بریکس حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را از نظر برابری قدرت خرید دارا هستند. طبق پیش‌بینی بانک جهانی تا سال ۲۰۲۴م، کشورهای بریکس بیش از نیمی از رشد اقتصادی جهان را به خود اختصاص می‌دهند. در حال حاضر، چین و پس از آن هند بزرگ‌ترین اقتصادهای این گروه هستند. در مقابل برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی اقتصادهای کوچک‌تری دارند. کشورهای بریکس، به‌رغم تفاوت در اندازه و توسعه اقتصادی، به ارتقای رشد اقتصادی، کاهش فقر و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر علاقه‌مند هستند (ibid: 4).

در راستای اجرایی کردن این علاقه‌مندی به ایجاد نظم جهانی عادلانه و کاهش فقر، کشورهای بریکس بانک توسعه جدید چندجانبه^۱ را تأسیس کردند که قبلاً بانک توسعه بریکس نامیده می‌شد. بحث دربارهٔ ایجاد بانک توسعه جدید نخستین بار در چهارمین اجلاس سران بریکس در دهلی نو (۲۰۱۲) آغاز شد. هدف این بانک جمع‌آوری بودجه برای پروژه‌های زیربنایی و توسعه پایدار در کشورهای عضو بریکس و سایر اقتصادهای نوظهور، همچنین در کشورهای در حال توسعه است (NDB, 2023). همچنین تصمیم گرفته شد که بودجه اولیه بانک باید قابل توجه و کافی باشد تا بتواند به‌طور مؤثری در تأمین مالی زیرساخت‌ها عمل کند. در نهایت، رهبران کشورهای بریکس توافقنامه تأسیس بانک توسعه جدید را در ششمین نشست بریکس در فورتالزا، برزیل در سال ۲۰۱۴م امضا کردند. هدف افزایش همکاری بریکس و حمایت از فعالیت مؤسسات مالی چندجانبه و منطقه‌ای برای کمک به پیشبرد تعهدات مشترک به‌منظور دستیابی به هدف رشد و توسعه قوی، پایدار و متعادل است (Aleksia & Bakhtiar, 2023: 131). بانک توسعه جدید بریکس با پذیرش بنگلادش، مصر،

1. NDB: The New Development Bank

امارات متحده عربی و اروگوئه، نخستین اعضای جدید خود در سال ۲۰۲۱م، پیشرفت‌های قابل توجهی در جهت گسترش عضویت داشته و بیش از ۲۸۰ میلیون نفر جمعیت را به جمعیت قبلی خود اضافه کرده است که می‌تواند از راه‌حل‌های توسعه‌ای بانک بهره‌مند شوند.

۵. فرصت‌های عضویت در بریکس برای اندونزی؛ واکاوی شاخص‌های متغیر وابسته

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، طی دو دهه گذشته، اندونزی میانگین رشد اقتصادی سالانه زیادی داشته و به یکی از ۲۰ اقتصاد برتر جهان تبدیل شده است. تولید ناخالص داخلی اندونزی ۱/۳۸۵/۰۰۰ تریلیون دلار و بزرگ‌ترین اقتصاد در آسیای جنوب‌شرقی است. اقتصاد اندونزی مطابق با برنامه توسعه ۲۰ ساله (۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵م) دائم تقویت شده و قرار است بر اساس چشم‌انداز یک‌دهمین سالگرد استقلال اندونزی به پنجمین اقتصاد بزرگ در جهان تبدیل شود. با توجه به اینکه بریکس نقش فزاینده‌ای در آینده اقتصاد و ژئوپلیتیک جهان دارد، جاکارتا به منظور تقویت حضور خود در ژئوپلیتیک جهانی در حال تغییر، به چندجانبه‌گرایی توجه بیشتری داشته باشد. از سوی دیگر، سیاست خارجی اندونزی، توسعه‌گرا توأم با انتقال سرمایه به کشورهای منطقه، توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های اتصال و تعامل با قدرت‌های بزرگ هست. به نظر می‌رسد این اهداف با اهداف توسعه بریکس مطابقت دارد. بنابراین، عضویت اندونزی در بریکس فرصت‌هایی برای کمک و تسریع توسعه ملی برای اهداف اصلی سیاست خارجی، تقویت روابط دوستانه بین‌المللی و منطقه‌ای و ارتقای همکاری‌ها مطابق با منافع ملی خود ایجاد می‌کند. درعین حال، دستیابی به سایر اهداف اندونزی مانند گسترش نقش بین‌المللی خود، ایجاد نظم جدید اقتصادی جهانی و گسترش همکاری‌های اقتصادی و فنی بین کشورهای در حال توسعه نیز با عضویت در بریکس تا حدودی میسر می‌شود. در همین حال، به دلیل نیاز به بهبود بهره‌وری بخش‌های مختلف اقتصادی، گسترش اقتصاد سبز^۱، انتقال انرژی، تحول در اقتصاد رقومی (دیجیتال)، ادغام اقتصاد داخلی، اتصال زیرساخت‌ها و توسعه سرمایه‌های جدید، اندونزی به رشد سرمایه‌گذاری نیاز دارد و اعضای جدید و مؤسس بریکس می‌توانند با تریلیون‌ها دلار ذخایر و نقدینگی به اندونزی کمک کنند. همچنین،

۱. صنعتی شدن همراه با حفظ محیط‌زیست از طریق انرژی‌های پاک

اندونزی در مقام کشوری اسلامی، به نقشی توجه دارد که اعضای جدید در غرب آسیا در بریکس ایفا خواهند کرد. عربستان سعودی، مصر، امارات و ایران همگی کشورهایی هستند که نقش‌هایی را در بانک توسعه جدید بریکس بر عهده گرفته‌اند و بازارهای گردشگری بالقوه‌ای برای جذب گردشگر به اندونزی محسوب می‌شوند. از این منظر، عضویت در بریکس به بازکردن بازارهای جدید، تثبیت بازارهای موجود، حمایت از جریان سرمایه‌گذاری، ایجاد شغل و افزایش صادرات و استفاده از فناوری‌ها در اندونزی کمک می‌کند.

همچنین باید به ظرفیت‌های بانک توسعه جدید بریکس برای اندونزی نیز توجه کرد. بانک توسعه جدید کمک مالی، فنی و وام‌ها را به روپیه به اندونزی عرضه می‌دارد. همچنین، مشارکت اندونزی در بانک ممکن است به تأمین مالی مؤثر برای توسعه پایدار، ارتقای چندجانبه پروژه‌های زیربنایی اندونزی، ثبات ارز، کاهش بدهی‌های اندونزی و افزایش ظرفیت صادرات اندونزی کمک کند. با وجود کنترل غرب بر سوئیفت^۱، رویکرد بریکس در برخورد با اصلاحات نظام مالی بین‌المللی، شکل‌گیری نظام‌های پرداخت جایگزین، نظام مالی غیردلاری، افزایش تجارت با ارزهای داخلی نیز به سود اندونزی خواهد بود، ضمن اینکه جاکارتا قبلاً کارگروه کاهش دلار را برای کمک به ترویج استفاده از روپیه در تجارت دوجانبه، کاهش وابستگی خود به دلار و تنوع در پرداخت‌ها معرفی کرده است که با برنامه کلی بریکس مطابقت دارد (Ramezani Bonesh, 2023).

اما، به‌رغم تأکید اندونزی بر رفع تمامی صورت‌های تبعیض تجاری، تشویق همکاری برابر و فراگیر و روابط خوب با کشورهای عضو بریکس از یکسو، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند که عضویت در بریکس برای اندونزی خواهد داشت. از سوی دیگر، هنوز اندونزی برای عضویت در بریکس تصمیم مشخصی اتخاذ نکرده و به عضویت بریکس درنیامده است.

۱. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication: SWIFT انجمن تعاونی غیرانتفاعی که در مه ۱۹۷۳ م ۲۳۹ بانک از پانزده کشور اروپایی و آمریکای شمالی آن را راه‌اندازی کردند. هدف از آن جایگزینی روش‌های ارتباطی غیراستاندارد کاغذی یا از طریق تلکس در سطح بین‌المللی با روش استاندارد شده جهانی بود. در حال حاضر، بیش از ۹۷۰۰ بانک و مؤسسه مالی از ۲۰۹ کشور جهان عضو سوئیفت هستند.

۶. موانع و تردیدهای نپیوستن اندونزی به بریکس؛ واکاوی شاخص‌های متغیر مستقل

سیاست خارجی اندونزی مستقل و فعال است و همکاری چندجانبه و بین‌المللی صلح‌آمیز بخش مهمی از سیاست خارجی اندونزی را تشکیل می‌دهد. اما، اندونزی برای حفظ منافع مالی و اقتصادی خود و دوری از نگرش‌های استعماری، به هیچ اتحاد نظامی‌ای نپیوسته است. از این منظر، نگرانی اندونزی افزایش تنش ژئوپلیتیکی بین ایالات متحده و چین، همچنین بین استرالیا و چین و فشار ناخواسته واشنگتن برای پیوستن به گفتگوی امنیتی کواد^۱ است.

اگرچه چین نسبت به ایالات متحده شریک تجاری نسبتاً مهم‌تری برای اندونزی است، در سال ۲۰۲۲م، ایالات متحده همچنان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری این کشور بود. بنابراین، هر نوع اتحاد ضدغربی بر روابط اندونزی با ایالات متحده تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی زیادی برای این کشور به دنبال خواهد داشت. این بدان معناست که پیوستن به بریکس ممکن است به‌مرور زمان روابط اندونزی با غرب را مخدوش کند. از سوی دیگر، اندونزی نگران است که بریکس در آینده به گروهی کاملاً «ضدغربی» به رهبری چین و روسیه تبدیل شود یا اینکه چین از بریکس همچون اهرم فشار برای مقابله با غرب استفاده کند (Ramezani Bonesh, 2023).

علاوه بر این، اگرچه چین منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی اندونزی است، تهدیدی برای سیاست داخلی اندونزی تلقی می‌شود. اندونزی بارها به رویکرد چین در منطقه اعتراض کرده است. با این حال، با توجه به «ابتکار پهنه و راه»^۲ و احساسات ضدچینی در جامعه اندونزی، انتقادهایی از پروژه‌های زیرساختی عظیم چین در اندونزی وجود دارد، از جمله پروژه ۷/۳ میلیارد دلاری راه‌آهن سریع‌السیار جاکارتا-باندونگ و خطرهای تصور شده و ناشی از تله بدهی. مخالفان عضویت در بریکس نیز به نااطمینانی از مزایای اقتصادی اشاره می‌کنند. طبق استدلال

۱. گفتگوی چهارجانبه امنیتی (QSD)، که معمولاً با عنوان QUAD شناخته می‌شود، گفتگوی امنیتی راهبردی بین استرالیا، هند، ژاپن و ایالات متحده است که در سال ۲۰۰۷م شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، با حمایت جان هوارد، نخست‌وزیر استرالیا، مانموهان سینگ، نخست‌وزیر هند، و دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، آغاز کرد و پاسخی به افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین در نظر گرفته می‌شود.

2. Belt and Road Initiative

مخالفان عضویت، با توجه به اینکه اندونزی می‌خواهد به سازمان غربی همکاری اقتصادی و توسعه^۱ بپیوندد، بریکس مانع تلقی می‌شود (ibid).

به‌علاوه اقتصاددانان اندونزیایی بانک توسعه جدید بریکس را گزینه‌ای جذاب برای تأمین مالی نیازهای سرمایه‌گذاری این کشور نمی‌دانند. از نظر آن‌ها بانک توسعه جدید بریکس با سرمایه اولیه ۵۰ میلیارد دلاری آمریکا، آشکارا از سایر بانک‌های توسعه مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی عقب‌تر است. در همین راستا، چهره‌های کلیدی کابینه اندونزی-مانند سری مولیانای ایندراواتی، وزیر دارایی و مدیرعامل سابق بانک جهانی، و رتنو مرسودی، وزیر امور خارجه-با پیوستن اندونزی به بریکس مخالف بودند و قائل به این هستند که رئیس‌جمهور این کشور اعتماد بیشتری به مؤسسات مالی تحت سلطه غرب داشته باشد (Rüland, 2023).

بنابراین، اندونزی در اجلاس ۲۰۲۳ م سران بریکس در آفریقای جنوبی شرکت کرد، اما مؤدبانه دعوت برای پیوستن به این گروه را رد کرد. این گروه در حال گسترش اعضای خود برای تقویت جایگاه خود در مدیریت امور اقتصاد جهانی هست. اندونزی با توجه به اینکه شانزدهمین اقتصاد بزرگ جهان است، واجد شرایط لازم برای پیوستن به این گروه هست و با بسیاری از اهداف بریکس از جمله ایجاد نظم اقتصادی جهانی عادلانه‌تر و دورشدن از اتکای بیش از حد به دلار ایالات متحده برای معاملات بین‌المللی هم‌نظر است، اما برای درخواست عضویت عجله‌ای ندارد. حتی جوکو ویدودو، رئیس‌جمهور اندونزی، به خبرنگاران اندونزیایی در ژوهانسبورگ گفت برای تقویت هم‌بستگی میان کشورهای درحال توسعه جهان در این اجلاس شرکت کرده است. اندونزی به‌طور رسمی تمایلی برای پیوستن به بریکس ابراز نکرده است (Thejakartapost, 2023). درواقع، اندونزی بر این نظر است که منافع ملی این کشور با پیوستن به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، «باشگاه مردان ثروتمند» متشکل از ۳۸ کشور عمدتاً غربی، به بهترین وجه تأمین می‌شود. در صورتی که اندونزی موفق شود به عضویت در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه درآید، سومین عضو آسیایی، پس از ژاپن و کره جنوبی، خواهد بود. از نظر اندونزی، عضویت در این سازمان هدف اصلی اندونزی را، یعنی تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا، بیشتر از عضویت در بریکس تأمین می‌کند (Nurcholis, 2023).

1. OECD: Organisation for Economic Co-operation and Development

دیگر مسائل اثرگذار بر عدم تمایل اندونزی برای پیوستن به بریکس شکنندگی ائتلاف بریکس، همسویی با برخی بلوک‌های سیاسی و فقدان منافع اقتصادی ملموس ناشی از عضویت در بریکس است. در همین راستا، مخالفان عضویت اندونزی در بریکس بر این باور هستند که بین کشورهای عضو بریکس اتحاد برقرار نشده است؛ در نتیجه، بریکس همچون نهادی شکننده عمل می‌کند و مانند اتحادیه اروپا به اتحادیه‌ای سیاسی یا حتی انجمن تجاری رسمی تبدیل نشده است. برخی دیگر هم بر این باور هستند که جانبداری از روسیه در تضاد با سیاست خارجی «آزاد و فعال» اندونزی است. از این منظر، در صورت عضویت اندونزی در بریکس، شکل تعهدات مالی و غیرمالی اندونزی، در جایگاه یکی از اعضای بریکس، با اصل سیاست خارجی «آزاد و فعال» سازگاری ندارد و این امر را باید جدی‌تر بررسی کرد (Ramezani Bonesh, 2023).



منبع: نگارنده

شکل ۱. شاخص‌های متغیر مستقل پژوهش

۷. نتیجه‌گیری

ارزش بالقوه‌ اندونزی برای بریکس کاملاً آشکار است. این کشور چهارمین جمعیت بزرگ جهان، دارای اقتصادی با رشد سریع و ظرفیت تبدیل شدن به یکی از پنج اقتصاد برتر جهان تا سال ۲۰۴۵م، قدرت پیشرو در جنوب شرقی آسیا، قدرت منطقه‌ای مهم و کانون رقابت و نفوذ بین چین و ایالات متحده آمریکا هست، اما هنوز به عضویت در نهاد بریکس درنیامده است. جوکو ویدودو، رئیس‌جمهور اندونزی، ضمن شرکت در اجلاس سران بریکس در آفریقای جنوبی در ۲۰۲۳م اعلام کرد دولت اندونزی تصمیم گرفته است برای عضویت در بریکس عجله نداشته باشد. به‌گفته‌ جوکووی، دولت به زمان بیشتری برای مطالعه مزایا و معایب عضویت در بریکس، به‌ویژه در حوزه اقتصادی، نیاز دارد و می‌خواهد با شرکای خود در آسه‌آن مشورت کند.

اگرچه این اعلام موضع رسمی رئیس‌جمهوری این کشور بود، انگیزه‌های جدی‌تر و عمیق‌تری در پس تصمیم اندونزی برای نپیوستن به بریکس وجود دارد. یکی از دلایل این است که سنت طولانی عدم‌تعهد در سیاست خارجی اندونزی وجود دارد و تلاش‌های تهاجمی چین برای گسترش بریکس باعث نگرانی بلوک‌سازی چین بر اساس تجربه دوران جنگ سرد خواهد شد. در دوران جنگ سرد هم شاهد تلاش دو ابرقدرت آمریکا و شوروی برای ایجاد دو بلوک غرب و شرق بودیم.

دوم اینکه پیوستن اندونزی به بریکس برای کشورهای غربی نشانه‌ای از تغییر به سمت اردوگاه چین تلقی می‌شود. این امر تغییری مهم در سیاست متوازن‌سازی و متعادل‌سازی اندونزی است که بر اساس آن جاکارتا در امور امنیتی بیشتر به سمت ایالات متحده و در مسائل اقتصادی بیشتر به سمت چین متمایل است و در مغایرت با دکترین «آزاد و فعال» این کشور تفسیر خواهد شد. اندونزی نگران است که بریکس در آینده به گروهی کاملاً «ضدغربی» به رهبری چین و روسیه تبدیل شود یا اینکه چین از بریکس همچون اهرم فشار برای مقابله با غرب استفاده کند.

با توجه به اینکه اندونزی در راستای تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد جهانی تا ۲۰۴۵م می‌خواهد سومین کشور آسیایی پس از ژاپن و کره جنوبی به سازمان غربی همکاری اقتصادی و توسعه بپیوندد، بریکس مانع تلقی می‌شود و ممکن است عضویت اندونزی را به خطر اندازد.

مانع چهارم این است که بریکس انجمنی بسیار متنوع است و عضویت در چنین نهادی با هزینه‌های مبادلاتی زیادی برای اندونزی همراه خواهد بود. اندونزی باید منابع دیپلماتیکی عظیمی به بریکس اختصاص دهد تا از هم‌سویی اعضای آن با منافع ملی اندونزی اطمینان حاصل کند.

پنجم اینکه الحاق به بریکس هدف مهم اندونزی یعنی «شهروند خوب جهانی» بودن را به خطر می‌اندازد. هویت میانه‌رو و مدارا جوینده اندونزی در روابط بین‌الملل به طور قابل توجهی با سایر اعضای بریکس متفاوت است. اندونزی با نارضایتی عمیق اعضای بریکس از نظم بین‌المللی موجود شریک است، اما خواسته‌های اصلاحات را به‌زبانی آشتی‌جویانه‌تر و سازگارتر بیان می‌کند. بنابراین، پیوستن اندونزی به میکتا^۱ در سال ۲۰۱۳ م تصادفی و بدون برنامه‌ریزی نبود. میکتا مجمعی متشکل از مکزیک، اندونزی، کره جنوبی، ترکیه و استرالیا است که می‌خواهند در جایگاه نهادی «چندجانبه‌گرا و سازنده» در نظام بین‌الملل عمل کنند. اگرچه عملکرد میکتا در جایگاه پل سازنده‌ای بین شمال و جنوب و اندونزی در مقام میانجی جای بحث دارد، موضع اعتدال اندونزی به آن امکان داده است تا کانال‌های گفتگوی باز با شمال جهانی^۲ را حفظ کند؛ درعین حال، از منافع جنوب جهانی دفاع کند.

در مجموع، می‌توان گفت دولت اندونزی درباره مزایای اقتصادی الحاق به بریکس متقاعد نشده است، زیرا حتی بدون عضویت در بریکس، اندونزی از نظر اقتصادی به چین، یعنی بزرگ‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذار بزرگ خود، وابسته است. بنابراین، حفظ روابط اقتصادی نزدیک با پکن مستلزم عضویت در بریکس نیست و این امر دوجانبه ارتقا می‌یابد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی،

1. MIKTA

۲. طبق تعریف آنکتاد، شمال جهانی منحصراً اصطلاحی جغرافیایی نیست و به‌طور گسترده آمریکای شمالی و اروپا، اسرائیل، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزلند را شامل می‌شود.

سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

منابع

- جعفری ع، فلاح م. (۱۳۹۷). «قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب». فصلنامه سیاست. ۴۸(۱): ۱-۱۸. doi: [10.22059/JPQ.2018.213384.1006878](https://doi.org/10.22059/JPQ.2018.213384.1006878)
- جهانگیری مر. (۱۳۹۹). بریکس و اهداف راهبردی روسیه در نظام بین‌الملل. تهران: نشر ثالث.
- جهانگیری مر، وفایی سعدی خ. (۱۳۹۷). «ظرفیت‌های بریکس و محدودیت‌های روسیه برای تغییر نظم بین‌الملل». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۴(۱۰۳): ۱۶۱-۱۹۷.
- دهشیری مر، بهرامی ز. (۱۳۹۴). «نگاه استراتژیک چین به بریکس». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۱(۸۹): ۳۳-۶۳.
- زینگ ل. (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی بین‌المللی بریکس. ترجمه آریا س. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کروسان او، لورنس ف. (۱۴۰۲). سیاست مقایسه‌ای در جنوب شرق آسیا (دیپلاچهای بر حکومت و نظام‌های سیاسی). ترجمه سازمند ب، رضانی ا. چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرترابی س، فلاح م. (۱۴۰۱). «چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی». مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ۵(۲): ۴۱۵-۴۴۶. doi: [10.22126/IPES.2022.6894.1403](https://doi.org/10.22126/IPES.2022.6894.1403)
- نظری، عا. (۱۳۹۶). روش پژوهش و نگارش علمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یزدانی ع، مرادی فر س. (۱۳۹۶). «تبیین تأثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی». مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن). ۷(۲۳): ۴۳-۶۰.

Adams M. (2023). "BRICS and the new world order: Implications for the exiting world order". <https://www.researchgate.net/publication/371804604>. (Accessed on: 15/12/2023)

Aleksia C, Rizky Bakhtiar A. (2023). "BRICS as new alternatives in reforming international financial institutions and economic partnerships". *Insignia Journal of International Relations*. 10(2): 128-143. doi: <https://doi.org/10.20884/1.ins.2023.10.2.9135>.

Anatolievich Sergunin A. (2020). "Russia's strategies towards BRICS: Problems and opportunities". *Vestnik RUDN International Relations*. 20(3): 534-542. doi: [10.22363/2313-0660-2020-20-3-534-542](https://doi.org/10.22363/2313-0660-2020-20-3-534-542).

Asuelime LE. (2018). "The pros of South Africa's membership of BRICS: A re-appraisal". *Journal of African Union Studies*. 7(1). <https://hdl.handle.net/10520/EJC-ef8e3a5c6>.

Diko N, Sempijja N. (2021). "Does participation in BRICS foster South-South

- cooperation? Brazil, South Africa, and the Global South". *Journal of Contemporary African Studies*. 39(1): 151-167. doi: 10.1080/02589001.2020.1837746.
- Fagbadebo O, Netswera FG. (2022). "South Africa in BRICS: A review of asymmetric power relations in an intercontinental group". *Journal of African Foreign Affairs*. 9(2): 45-67. doi: <https://doi.org/10.31920/2056-5658/2022/v9n2a3>.
- Hooijmaaijers B. (2021). "China, the BRICS, and the limitations of reshaping global economic governance". *The Pacific Review*. 34(1): 29-55. <https://doi.org/10.1080/09512748.2019.1649298>.
- Hurrell A. (2018). "Beyond the BRICS: Power, pluralism, and the future of global order". *Ethics & International Affairs*. 32(1): 89-101. doi: <https://doi.org/10.1017/S0892679418000126>.
- Khan H. (2023). "Dedollarization: The role of expanded BRICS and the global south". *Munich Personal RePEc Archive*. 119544. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/119544/>. (Accessed on: 02/02/2024)
- Khan Sh, Khan T. (2020) "India's trade relation with BRICS countries and issues of sustainability". *Management and Economics Research Journal*. 6(S5): 9900028. <https://doi.org/10.18639/MERJ.2020.9900028>.
- Kiely R. (2015). *The BRICS, US 'Decline' and Global Transformations*. Palgrave Macmillan.
- Kumar M, Chaudhary M (2017). "India's foreign policy and BRICS". *SSRN*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2908709>. (Accessed on: 31/01/2017).
- Leal Rinaldi A, Soreanu Pecequilo C. (2021). "The contemporary world order, BRICS and the R2P principle: The cases of Brazil and China (2005/2017)". *Colombia Internacional*. 105. <https://journals.openedition.org/colombiaint/1056>. (Accessed on: 12/12/2023).
- Martins MAB. (2017). "The European Union and the BRICS: Challenges and power relations between antagonism and interdependence". *International Journal of Arts & Sciences*. 9(4): 495-504.
- Mozias P. (2023). "Russia as a country of BRICS: Issue of identification". *BRICS Journal of Economics*. 4(3): 321-333. <https://doi.org/10.3897/brics-econ.4.e98255>. <https://www.ndb.int/about-ndb/>.
- Neethling Th. (2017). "South Africa's foreign policy and the BRICS formation: Reflections on the quest for the 'right' economic-diplomatic strategy". *Insight on Africa*. 9(1): 39-61. <https://doi.org/10.1177/0975087816674580>.
- Nurcholis A. (2023). "Politics behind Indonesia's seeking membership in BRICS and OECD". <https://modern diplomacy.eu/2023/11/10/politics-behind-indonesias-seeking-membership-in-brics-and-oecd/>. (Accessed on: 10/11/2023)
- Oropeza García A. (2014). "The role of China and the brics project". *Mexican Law Review*. 7(1): 109-136. doi: 10.1016/S1870-0578(16)30010-5.
- Pereyra Doval G. (2016). "Forming coalitions: The case of Brazil in the BRICS". *JANUS.NET, e-Journal of International Relations*. 6(2): 1-15. <http://www.redalyc.org/articulo.oa?id=413543386001>. (Accessed on: 02/01/2024)
- Pimentel JVS. (2013). *Brazil, BRICS and the International Agenda*. Brasília: Fundação Alexandre de Gusmão.
- Prabhakar ACh. (2016). "BRICS: A new world economic order". *The Current Global Recession*. Emerald Group Publishing Limited, Leeds. pp. 293-321. <https://doi.org/10.1108/978-1-78635-158-620161012>.
- Ramezani Bonesh F. (2023). "Indonesia's approach to BRICS: Opportunities and membership potential". *ASEAN Briefing*. <https://www.aseanbriefing.com/news/indonesias-approach-to-brics->

- [opportunities-and-membership-potential/](#). (Accessed on: 03/12/2023)
- Rüland J. (2023). "Why Indonesia chose autonomy over BRICS membership". <https://www.eastasiaforum.org/2023/10/25/why-indonesia-chose-autonomy-over-brics-membership/#:~:text=Why%20Indonesia%20chose,University%20of%20Freiburg>. (Accessed on: 25/10/2023)
- Sachs G. (2003) "Dreaming with BRICS: The Path to 2050". *Global Economics*. 99. <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-reports-pdfs/brics-dream.pdf>. (Accessed on: 01/06/2020)
- (2001). "Building better global economic BRICs". *Global Economics*. 66. <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-reports-pdfs/build-better-brics.pdf>. (Accessed on: 01/04/2020)
- Salzman RS. (2015). "From bridge to Bulwark: The evolution of BRICS in Russian grand strategy". *Comillas Journal of International Relations*. 3: 1-12. doi: cir.i03.y2015.001.
- Shelepov A. (2017). "Indonesia and the BRICS: Implementing the BEPS action plan". *International Organisations Research Journal*. 114-136. doi: 10.17323/1996-7845-2017-03-114.
- Thakkar SL. (2014). "Brics countries and role of India". *Journal of Research in Humanities and Social Sciences*. 2(1). https://www.raijmr.com/ijrhs/wpcontent/uploads/2017/11/IJRHS_2014_vol02_issue_01_09.pdf. (Accessed on: 12/01/2024).
- Thejakartapost*. (2023). "Analysis: Indonesia joining BRICS? Thanks, but no thanks". <https://www.thejakartapost.com/opinion/2023/09/04/analysis-indonesia-joining-brics-thanks-but-no-thanks.html>. (Accessed on: 01/01/2024)
- Wang L, Zhang Y, Xi H. (2021). "The political economy of China's rising role in the BRICS: Strategies and instruments of the Chinese way". *The Chinese Economy*. 55(4): 317-328. <https://doi.org/10.1080/10971475.2021.1972545>.
- World Economic Outlook Database. (October 2023). International Monetary Fund. <https://www.imf.org/en/Search#q=World%20Economic%20Outlook%20Database&sort=relevancy>. (Accessed on: 2 February 2024)
- Zakaria F. (2008). *The Post-American World*. Norton Publisher.